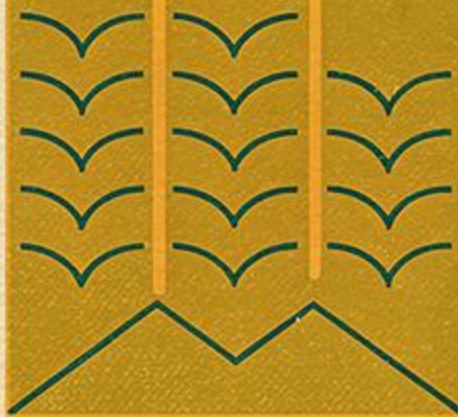


A stylized graphic featuring a dark teal semi-circle with a white sun rising from its center. To the left of the sun are several curved, parallel lines in a lighter shade of teal, resembling a rainbow or sunbeams.

هدایت در سایه سار حمد





اعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
صلی علیک یا ولی العصر ادرکنا

**هدایت در سایه سار**

**حَمْد**

## فهرست

۱. فهرست ..... ۲
۲. مقدمه ..... ۳
۳. قرآن به عنوان قوی‌ترین حجت خداوندی ..... ۴
۴. اهمیت سوره حمد ..... ۴
۵. تقسیم بندی مهم سوره حمد ..... ۵
۶. نظر روایات در مورد تقسیم بندی مردمان ..... ۱۱
۷. معرفت و تمسک به امام تنها راه هدایت و رستگاری ..... ۱۷
۸. معرفت امام چیست؟ ..... ۱۸
۹. چند راهکار عملی در پیوند با امام زمان ..... ۲۳

## مقدمه

به لطف خداوند متعال و با بهره‌گیری از تعالیم قران کریم در این جستار، تلاش خواهیم کرد تا با مدد از معلمین و راهنمایان خدایی که در کنار قران برای هدایت بشر ارسال شده‌اند، درباره‌ی موضوع هدایت و هدایت‌یافتگی و نحوه‌ی رسیدن به آن از نظر تعالیم دینی نظری کاملاً منصفانه و عمل‌گرایانه انداخته و با عنایت به توجهات حضرت صاحب‌الزمان صلوات الله علیه و آتائه راه هدایت را در زمانه‌ی سخت و وانفسای غیبت با ساده‌ترین و شیواترین بیان برداشت و تحلیل کنیم. این تحلیل به نحوی است که هر صاحب‌خردی در هر سطحی از سواد دینی، یقیناً به چالش فکری خواهد افکند. چرا که مبنای بحث بر پایه‌ی کلام خدا و متن روایات دینی است. امید است که توجهات آن حضرت به نوکران و محبان خویش، باعث شود در این راه از غفلت و سهو و غرض‌ورزی دوری بسته و مطلبی در خور ارائه کنیم.

نیمه شعبان ۱۴۴۶ هجری قمری

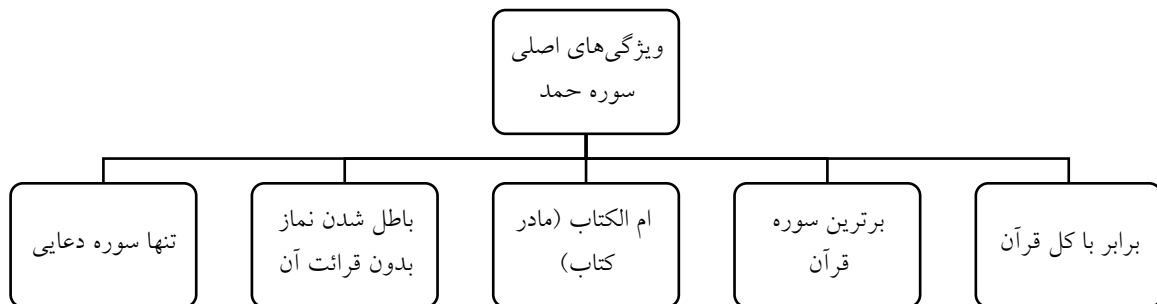
بهمن ماه ۱۴۰۳ هجری شمسی

## قرآن به عنوان قوی‌ترین حجت خداوندی

به عنوان یک مسلمان همه ما اذعان داریم که قرآن محکم‌ترین و بالاترین حجت در قاموس اعتقادی مسلمانان و مذهب تشیع است. لذا یک مسلمان در همه تعالیم دینی ابتدا قرآن را مد نظر قرار می‌دهد.

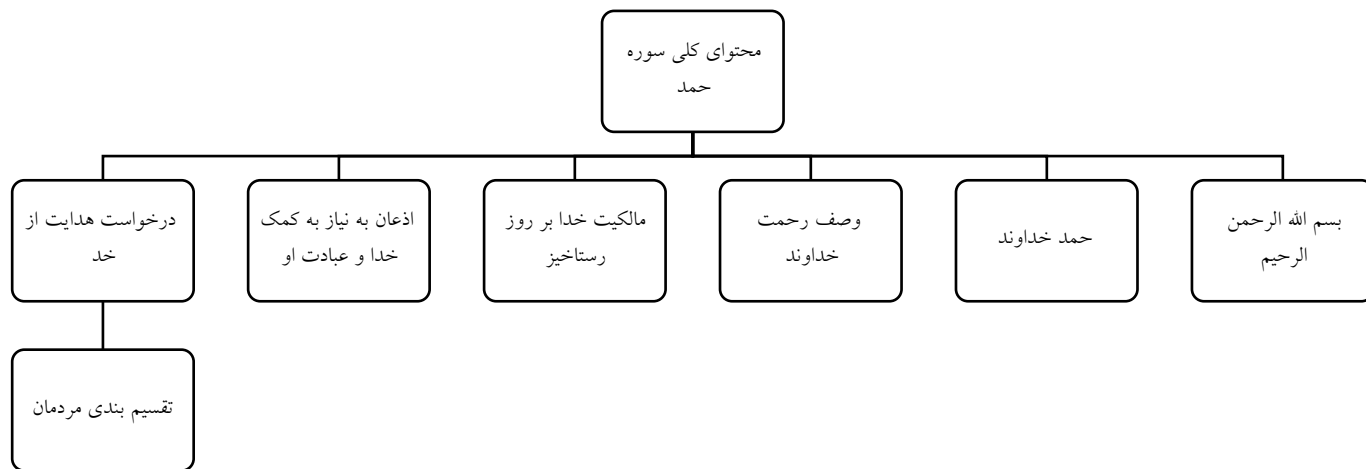
### اهمیت سوره حمد

سوره‌ی حمد برترین و بالاترین سوره‌ی قرآن است. ثواب قرائت آن برابر با ثواب قرائت کل قرآن است. به ام‌الکتاب یا مادر کتاب مشهور است. در نمازهای یومیه اگر شما سوره حمد را حذف کنید، نماز به طور کل باطل است. در پنج وعده نماز، حداقل ده بار ما موظف هستیم در طول شبانه روز برای آن که نمازمان مورد قبول پروردگار واقع گردد سوره‌ی حمد را قرائت کنیم. در وصف سوره‌ی حمد بسیاری سخن‌ها گفته شده‌است. اما سوره‌ی حمد تنها سوره‌ی قرآن است که با لحن دعایی از طرف خداوند به پیغمبر و ما مسلمان‌ها تعلیم داده شده است.



### تقسیم بندی مهم سوره حمد

یک تقسیم‌بندی ساده ولی در عین حال بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در سوره‌ی حمد موجود است. بعد از این که شما بسم الله الرحمن الرحیم را می‌گویید، شروع به حمد خدا را می‌کنید، پس از حمد خدا، وصف رحمت خدا را می‌گویید و به مالکیت خدا بر روز رستاخیز را اعتراف می‌کنید. سپس از خداوند، مهم‌ترین تقاضای بشر که هدایت به راه راست را می‌خواهید. در آیه‌ی بعدی اعلام می‌داریم که فقط خدا را می‌پرستیم و فقط از خدا مدد جوییم و به زبان و دل این موضوع را تصدیق می‌کنیم. در پایان این سوره، ما از خدا هدایت می‌خواهیم.



اما یک تقسیم‌بندی مهم و کلیدی را خداوند در این سوره به ما آموزش می‌دهد. این تقسیم‌بندی که خدا می‌فرماید چیست؟ عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی «خدایا ما را به صراط مستقیم هدایت کن». صراط مستقیم یعنی راه مستقیم. راه مستقیم راه چه کسانی است؟ راه آن کسانی است که خدا به آنها نعمت داده‌است. اگر منظور، نعمت‌های عمومی مثل خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و مرکب و امثال اینها بود، خب این یعنی همه‌ی انسان‌ها، هدایت‌شده هستند. چون همه‌ی انسان‌ها بخشی

از این نعمت‌ها را کم‌وبیش دارند. پس معلوم است این یک نعمت خاصی است. وقتی از امامان معصوم سوال شد که این نعمت چیست؟ حضرات معصومین در پاسخ گفتند این نعمت، نعمت هدایت است. در برخی از نقل‌ها امام فرمودند این راه یعنی راه علی مرتضی و راه انبیا، راه پیغمبران و حجت‌های الهی<sup>۱</sup>. فعلا با پذیرش ضمنی آن روایات، این ترجمه را از این بخش سوره می‌پذیریم. یعنی «خدایا مرا به راهی که خودت توسط پیامبرانت و امامان که حجت تو هستند معرفی کرده‌ای، هدایت کن». از این بخش می‌شود متوجه شد که یک دسته از مردم، «هدایت‌شدگان» هستند.

دسته‌ی دوم که در ادامه‌ی سوره می‌گوید «غیر المغضوب علیهم»، یعنی «نه به راه آن کسانی که خدا بر آنان غضب کرده و با دیده خشم به آنان می‌نگرد».

وای به حال این دسته! خدایا، مبدا من از این دسته باشم! مبدا من به راه و صراط آن دسته بروم! و در آن مسیر قدم بگذارم. با وجود آن که ممکن هست خودم از این مسئله غفلت داشته باشم. چه کسانی در این راهند؟ یقینا کفار در این دسته‌اند. کفار چه کسانی هستند؟ کافر یک معنی دارد که در قرآن با دقت، این لفظ به این معنی به کار رفته است. کافر در زبان عربی به

---

<sup>۱</sup>. به عنوان نمونه، امام صادق (علیه السلام) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مقصودش محمد (و ذریه‌ی پاک او (علیهم السلام) می‌باشد.

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص ۱۰۲ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳ / معانی الأخبار، ص ۳۶ / نورالتقلین

معنای پوشاننده است. کسی کافر است که راه هدایت توسط پیامبران به او عرضه شده باشد، اما این راه را نپذیرفته باشد و آن را پوشانده باشد.

این فرد می شود کافر. اما دقت داشته باشید این تمام دسته بندی به صورت کامل نیست یعنی یک دسته ی سومی هم هستند، که انگار راه هدایت به این ها معرفی نشده است، یا راه هدایت را هنوز نیافته اند و در واقع ممکن است کماکان در جستجوی راه هدایت هستند یا بی خیال از جستجوی هدایت هستند. شاید بسیاری از مردمان روزگار ما در سراسر عالم این ویژگی را دارند. نه می دانند راه حق چیست و نه می دانند راه باطل کدام است. به مانند یک موجودی که صرفاً هم و غمش این دنیا است. سر خود را به پایین انداخته و به حداقلی از امکانات راضی شده اند. منظور ما از حداقل امکانات یعنی فقط امکانات این دنیا است و به این فکر نمی کنند و عمیق نمی اندیشند که ما در پایان این دنیا به کجا خواهیم رفت و به کجا متصل خواهیم شد.

فقط ادیان الهی و پیامبران هستند که پاسخ این سوال را به دقت می دهند. ما اگر در جهان جستجو کنیم کسانی که ادعا کرده اند ما راه هدایت را نشان می دهیم اندک اندک. مابین کسانی که ادعا کرده اند راه هدایت را می شناسند و معرفی می کنند، برخی از آنان بت پرست و گاوپرست و گوساله پرست و امثال اینها هستند. ادیان معدودی هستند که خدا را به یگانگی و یکتایی می ستایند و معرفی می کنند. در بین اینها، قطعاً قرآن که نشانه ی پیامبری پیامبر اسلام است، بالاترین جایگاه را دارد. قطعاً قرآن بهترین و

بالاترین مفهوم از خداپرستی و خداشناسی را ارائه می‌دهد. شما را ارجاع می‌دهم به چکیده اعتقاد توحیدی مسلمانان که سوره‌ی توحید است. آن سوره هم بعد از حمد جزو بافضیلت‌ترین سوره‌های قرآن است. خدا را به یکتایی و بی‌همتایی می‌ستاید و معرفی می‌کند. هر فطرت خداشناسی تصدیق می‌کند آورنده‌ی چنین مطلب بالایی در مورد خدا حتما از جانب خدا آمده‌است.

دسته‌ی سوم پس چه کسانی شدند؟ قرآن می‌گوید «ولا الضالین» یعنی کسانی که گمراه‌اند. راه هدایت را پیدا نکردند اما مورد خشم خدا هم نیستند. اینها شاید بشود گفت به نوعی **ول معطل** هستند. معلوم نیست اینها پس از مرگ چه تکلیفی داشته باشند. ممکن است خدا به دیده‌ی رحمت به آنان بنگرد. ممکن است که عذابشان نکند و شاید نعمتی اندک در آن دنیا به آن بدهد یا ندهد. یا برخی جاها می‌گویند ممکن است این‌ها چون امتحان پس نداده‌اند، مجددا امتحانی دوباره ازشان گرفته شود. مثل دانش‌آموزی که در خرداد قبول نمی‌شود و تجدید و رفوزه می‌شود و در شهریور فرصتی دوباره به او داده می‌شود. شاید به آنان فرصتی بدهند. عدالت خدا ایجاب می‌کند که چه‌بسا فرصت دیگر داده شود و رحمت خدا ایجاب کند که اینها عذاب نشوند. جایگاهشان بلا تکلیفی است و این خوب نیست. غایت و پایان یک انسان بلا تکلیفی نباید باشد. شاید اینها هم به همین

راضی شوند که عذاب نشوند اما قرآن به ما می گوید: « نه خیر آقا، به این سطح پایین اکتفا نکنید و راضی به این نباشید، ارزش واقعی شما بیش از این است.»

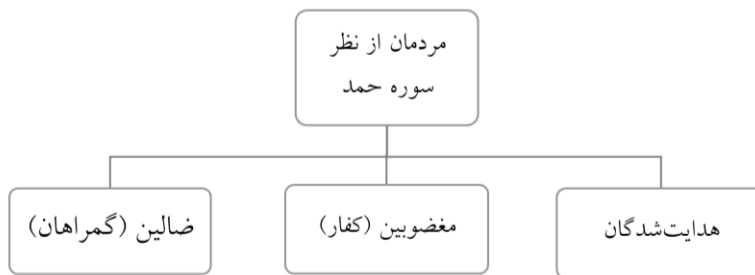
پس نتیجه می گیریم قرآن می فرماید سه دسته هستند.

یکم: هدایت شدگان که خدا به آن نعمت هدایت و ولایت داده است،

دوم: کفار، کسانی که خدا بر آن غضب کرده است،

و سوم: کسانی که گمراه اند.

چه خواستی بالاتر از این که ما در بین هدایت شدگان باشیم. این دسته بندی یک دسته بندی مهم و سرنوشت ساز است. این تقسیم بندی را در ذهنتان نگه دارید. برویم سراغ روایات، یک بررسی تحلیلی انجام دهیم.



## نظر روایات در مورد تقسیم بندی مردمان

روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله هست که هم شیعه و هم سنی نقل کرده‌اند. روایت بسیار مهم و اساسی است. آن روایت هم یک روایت سرنوشت‌ساز است. یعنی عمل به آن یا عدم عمل به آن، هر دو پیامدهای هنگفت و سنگینی دارد. یکی از جهت خوب یکی از جهت بد. این روایت کدام روایت است؟ روایت می‌گوید «من ماتم و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۲</sup>. ترجمه‌اش اینست: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است»  
از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «مرگ جاهلی یعنی چه؟» امام در پاسخ فرمود: «مرگ جاهلی یعنی مرگ کفر، نفاق و ضلال»

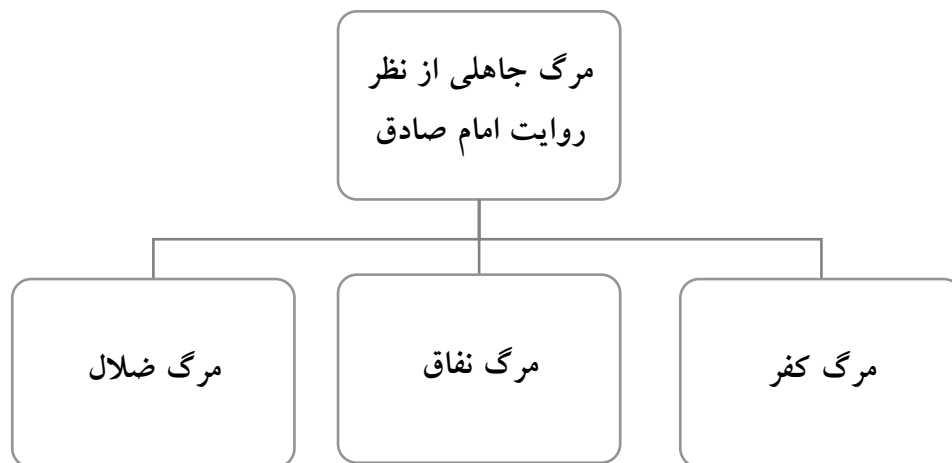
متن روایت: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةً كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ .<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup>. سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ۱۵۴۱ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۰؛ تفتازانی، شرح مقاصد، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۹.

قندوزی، ینابیع المودة، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۵۶

<sup>۳</sup>. الکافی ج ۱ ص ۳۷۷

حارث بن مغیره گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: پیغمبر فرموده است: هر که بمیرد و پیشوایش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: آری. عرض کردم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش را شناسد. فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی



وقتی که آن تقسیم‌بندی سوره حمد و این تقسیم‌بندی امام را در کنار هم قرار می‌دهیم با هم تطبیق می‌کند. امام معصوم توضیح می‌دهد که مرگ جهالت یکی از این سه نوع مرگ است. مرگ کفر یعنی کسی که در کفر بمیرد. مرگ کفر یعنی مرگ کسی که حقیقت بر او عرضه شده اما حقیقت را پوشانده و به آن اعتراف نکرده و از آن اطاعت نکرده است.

اما کسی که منافق است کسی است که در ظاهر می‌گوید من ایمان آوردم ولی در باطن به خدا اعتقاد ندارد و از روی حيله و نیرنگ اعتراف به حقانیت خدا و دین می‌کند ولی در باطن به آن باور ندارد. سومین دسته‌ی این روایت، مرگ در گمراهی را بیان می‌کند که در مورد گمراهان و ضال یا ضلال توضیحی ارائه شد.

پس کفر، نفاق و ضلال هر سه تا باطل است. هر سه تا مرگ جاهلی است. و اگر دقت کنید در قرآن **کفر و نفاق** در دسته «مغضوب علیهم» قرار می‌گیرد. گمراه این روایت هم عینا همان ضالین سوره‌ی حمد است. چه جالب که این روایت انگار دارد به ما راهکار هدایت به راه مستقیم را نشان می‌دهد. جالب‌تر این که پیغمبر در روایتی دیگر به ما فرمود من دو یادگار ارزشمند (دو ثقل) را برای شما امانت می‌گذارم. یکی قرآن و دیگری عترت.

متن کامل روایت: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنِّي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»<sup>٤</sup>

ترجمه: «همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می‌گذارم، که اگر بدانها چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیتم، و این دو از یک دیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من درآیند، پس بنگرید چگونه پس از من درباره‌ی آن دو رفتار کنید».

عترت یعنی امام زنده‌ی زمان. و این دو تا یعنی قران و عترت از هم جدا نمی‌شوند و هر کس به این دو تا چنگ اندازد و به این دو متوسل شود و به این دو پناهنده گردد قطعاً گمراه نخواهد شد. روایت می‌گوید: «لَنْ تَضِلُّوا» .

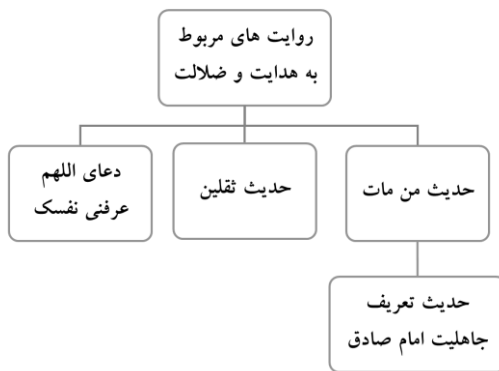
پیغمبر در این روایت مهم و اساسی که باز هم مورد توافق همه‌ی مسلمانان است، کلمه‌ی گمراهی و ضلالت را به کار می‌برد. یعنی هدایت در گرو چنگ انداختن و پناه بردن به کتاب خدا و مقام امامت امام هر زمانی است.

حال بیاپید این روایت را قرار دهید در کنار دعایی که توسط معصوم توصیه شده‌است در زمان غیبت بخوانید.

<sup>٤</sup> . إرشاد القلوب ج ١ ص ١٣١

متن دعا: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۵</sup>

ترجمه: «خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده‌ات را نشناختم، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی حجت را نشناختم، خدایا حجت را به من بشناسان، زیرا اگر حجت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.»



<sup>۵</sup>. کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷، حدیث ۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

وقتی این دعا را کنار مباحث قبلی هم قرار می‌دهید این دعا می‌گوید خدایا، خودت را به من بشناسان، که اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. ما اگر خدا را شناسیم از کجا خواهیم فهمید که این پیغمبر از خدای واقعی سخن می‌گوید یا از طرف خدای ساختگی؟ اگر کسی بیاید بگوید این گاو، خدای شماست ما می‌گوییم گاو ما را خلق نکرده، خدای بی‌شبهه و بی‌نظیر، من را آفریده‌است. خدایی که شکل هیچ چیز نیست، بر همه‌ی عالم مسلط است. «لا اله الا الله» را ما با جان و دل قبول می‌کنیم چون قبلش خدا را شناختیم. یا به عبارتی دیگر، خدا خود را به ما شناسانده است. او، الله، خدای ماست. خدایی نیست مگر آن خدای یگانه‌ی یکتای بی‌همتا. پس ما ابتدا باید خدا را بشناسیم تا اگر پیغمبری ادعا کرد من از سمت خدا آمده‌ام، ما را نتواند بفریبد. بعد از این که پیامبر حقیقی را شناختیم، حجت خدا را باید بشناسیم. این دعا می‌گوید خدایا پیغمبرت را به من بشناسان که اگر من پیغمبرت را شناسم حجت را نخواهم شناخت. و در آخر می‌گوید خدایا امامت را و حجت را بر من بشناسان که اگر او را شناسم «ضللت عن دینی» یعنی «از دینم گمراه می‌شوم». باز هم می‌بینیم که معرفت امام نکته‌ی کلیدی در رهایی از گمراهی است.

## معرفت و تمسک به امام تنها راه هدایت و رستگاری

این دعا را وقتی در کنار مباحث قبلی قرار می‌دهیم می‌بینیم که اگر ما امام زمانمان را نشناسیم و به او توسل و تمسک نجویم و به آن امام پناه نبریم حداقل جزو گمراهان خواهیم بود. و چه بسا خدای نکرده جزو مغضوبین. نماز، بالاترین عبادت است. مُخ و چکیده‌ی نماز، سوره‌ی حمد است. خواسته‌ی اساسی بشر و آموزه‌ی اصلی خدا که در سوره حمد است به ما می‌گوید از خدا هدایت بخواهید. از خدا راه علی علیه السلام را بخواهید. راه امامان بعد از علی علیه السلام را بخواهید و در واقع در مصداق زمان ما، سوره‌ی حمد می‌گویید از خدا راه امام زمان را بخواهید.

اگر کسی بخواهد به روح واقعی نماز پی ببرد یعنی در واقع راه هدایت را پیدا کند و جز مغضوبین و حتی گمراهان نباشد، باید پناهنده شود به آن کُهِف حصین، آن غوث و غیاث و آن پناهگاه مظلومان، آن امام عزیز، آن امام مهربان، یعنی حضرت صاحب الزمان، حضرت حجت ابن الحسن العسکری.

## معرفت امام چیست؟

اما معرفت امام یعنی چه؟ کسی که امامش را شناسد یعنی چه؟ کسی که امامش را نشناخته آن کسی است که که نداند امامش در این زمانه کیست. شناخت امام یعنی که من به نام و مشخصات دقیق بدانم او چه کسی است. برای این شناخت راه حلش این است که به فرمایش پیامبر مراجعه می‌کنم. پیامبر می‌گوید فرزند نهم از فرزندان حسین، مهدی است. «تاسعهم قائمهم افضلهم»

متن روایت: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ سَيِّدٌ مِنْ سَادَةٍ وَأَنْتَ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ أَخُو إِمَامٍ أَبُو أَيْمَةٍ تَسَعَةٍ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ إِمَامُهُمْ أَعْلَمُهُمْ أَحْكَمُهُمْ أَفْضَلُهُمْ». <sup>۶</sup>

ترجمه: «یا ابا عبد الله تو سرور سادات هستی. و تو امام، فرزند امام، برادر امام، پدر نه امام هستی که نهمین آنها قائم آنها است و امامشان و عالم‌ترین آنها و حکیم‌ترین آنها و افضل (برترین) آنهاست»

نهمین از فرزندان حسین، مهدی است. قیام‌کننده است و بالاترین مقام را بین امامان بعد از حسین علیه السلام دارد. وقتی جستجو می‌کنیم تنها آیینی که این امام را به دقت و به صراحت و با مشخصات کامل معرفی می‌کند، آیین تشیع است که اسناد

<sup>۶</sup>. بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۷۲

دقیق مربوط به ولادت او را دارد. شواهد کافی بر ولادت او معرفی می‌کند. بزرگانی قبل از این که او به غیبت برود به محضر او رسیده اند و شهادت به وجود و تولد او داده‌اند. فرزند امام حسن عسگری و یازدهمین امام بعد از علی بن ابی طالب است و پیامبر او را در غدیر خم معرفی کرده است. همه این ها منحصر در آیین تشیع است و آیین تشیع را در شناخت امام منحصر بفرد می‌سازد.

پس مرحله اول شناخت این است که او را بشناسیم و به دنبال امام غلط و یا امامی که ما را فریب می‌دهد، نرویم. اما شناخت فقط به شناخت شناسنامه‌ای منحصر نمی‌شود. مادر مرحله‌ی بعد باید بدانیم این امام چه خصوصیات و جایگاهی دارد. آن امام امامی است که اگر کسی به او مراجعه کند، گمراه نمی‌شود پس مقام و جایگاه **هدایت‌گری** دارد. مقامات دیگری نیز دارد. مثلاً امام رضا علیه‌السلام در روایتی می‌گوید:

«الإمامُ الأَئیسُ الرَّفِیقُ ، وَالوَالِدُ الشَّقِیقُ ، وَالأَخُ الشَّقِیقُ ، وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ .»<sup>۷</sup>

ترجمه: «امام همدم و مونس است که رفیق است. بسیاری از مونس ها هستند که رفیق نیستند و بسیاری از رفیق ها که مونس و همدم نیستند، اما امام هر دو است.»

---

<sup>۷</sup>. اصول کافی جلد ۱/ صفحه ۲۰۰، این بخش کوتاهی از روایت مفصل امام رضا علیه‌السلام است که در این روایت این امام درس کامل امام شناسی عرضه می‌کند.

والد شفیق یعنی امام مانند پدر است. اما کدام پدر؟! بسیاری از پدران مهربان ممکن است مهربان نباشند اما او پدر مهربان است. او شفقت شدید عجیبی دارد.

اخ شفیق است یعنی برادر همفکر/انسان. برادر دوقلوی انسان. برادری که انگار مثل سیب از وسط او را نصف کرده باشند. چرا امام رضا علیه السلام این اصطلاح را به کار می برد. از این جهت که شما در تکلم و سخن گفتن با این امام و پیوند با او، لحظه ای تردید نمی کنید که او مفهوم درون ذهن شما و آنچه را که مد نظرتان است می فهمد. او کاملاً مراد شما را متوجه می شود. دچار کج فهمی و سوء تفاهم نمی شود.

وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ است. به مانند آن مادر که در اوج محبتش نسبت فرزند کوچکش قرار دارد. مادران شریف ترین محبت را در عالم دارند و در سخن و ادبیات بشری مثال و مصداق محبت، همیشه مادر است.

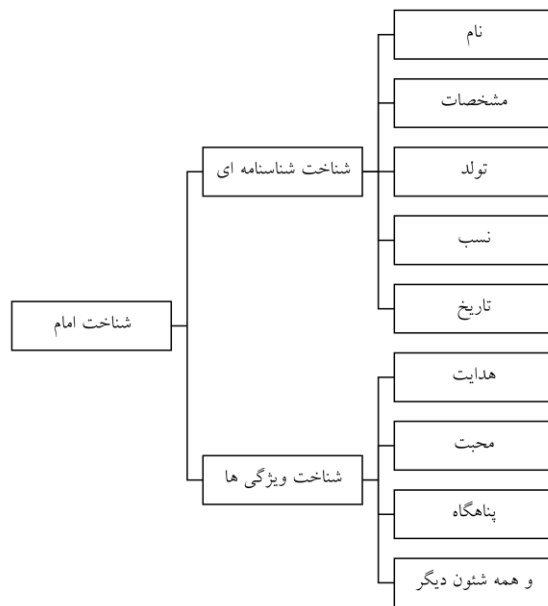
اما امام در درجات محبت (حتی به مراتب) بالاتر از مادر است. آن امامی که وقتی سید بن طاووس از پله های سرداب مطهر (منزل شخصی حضرت صاحب الزمان در شهر سامرا) پایین می آمد، شنید این گونه با خدا نجوا می کند.

«نَقَلَ عَنْ ابْنِ طَاوُسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ سَمِعَ سَحْرًا فِي السَّرْدَابِ عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ ع أَنَّهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَةِ طِينِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتَّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلَحْ بَيْنَهُمْ وَقَاصِّ بِهَا عَنْ خُمُسِنَا وَأَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَزَحْزِحْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ»<sup>۱</sup>

«شیعیان ما از شعاع نور ما و بازمانده‌ی طینت ما خلق شده‌اند. آنان گناهان زیادی را با اتکا به محبت و پشتیبانی ما مرتکب می‌گردند. اگر گناهان آنها گناهی است بین تو و آنان، بیوشانش که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آنها که در ارتباط با خودشان است، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنان را با دشمنان ما در خشم و سخط خود جمع نفرما.»

امامی که نگران زندگی اخروی ماست؛ نگران حیات جاودانه‌ی ماست. نه فقط امام برای این است که ما در این دنیا به او پناهنده شویم، بلکه در احوالات آن عالم هم پناهگاه است.

<sup>۱</sup>. بحار، ج ۵۳، ص ۳۰۲



## چند راهکار عملی در پیوند با امام زمان

شاید این سوال پیش بیاید که ما چگونه به او پناهنده شویم و چگونه از او کمک بگیریم در حالی که او در غیبت است. درست است که او در غیبت هست اما در مثال، غیبت او را به خورشیدی پشت ابر تشبیه کرده‌اند.

آیا خورشید پشت ابر قابل استفاده نیست؟ هر کس که بخواهد می‌تواند از خورشید پشت ابر استفاده کند. خورشید پشت ابر گرما دارد، نورش هست، آثارش هست، برکاتش هست. اما به هر حال با آن زمان ظهور فرق دارد. در ظهور، خورشید کامل می‌تابد و ابرها کنار می‌رود، خب قطعاً تأثیراتش بیشتر خواهد بود.

پس نتیجه می‌گیریم که ما در دوران غیبت هم می‌توانیم به او پناهنده شویم. از طریق ارتباط قلبی با او پیوند برقرار کنیم. روزانه به او سلام کنیم. به او عرض ادب کنیم. اگر عمل مستحبی یا کار خوبی انجام دادیم، ثوابش را به او هدیه کنیم. سعی کنیم شیعه‌ی آبرومند و خوبی برای او باشیم. دعا کنیم که او زودتر بیاید. ابرها زودتر کنار برود و او ظاهر شود و عالم را پر از عدل و داد کند. امروز جهان تشنه‌ی عدالت است. عالم عطش عدالت دارد. در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِإِقَامِهِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ»

ترجمه: «کجاست آن انتظار کشیده شده‌ای که کژی‌ها را سامان خواهد بخشید؟»

چقدر کثری و نادرستی در عالم زیاد شده است. او خواهد آمد و عدالت را پیشه خواهد کرد. عدالت او جهان گستر خواهد شد. و تشنگان عدالت به او پناهنده خواهند شد. پس از گسترش عدالت است که او عبادت خدا را هم در عالم گسترش خواهد داد. هم عدالت و هم عبادت.

همه از خدا می خواهیم: «اللهم عجل لولیک الفرج»

خدایا، دستان را به درگاه تو دراز می کنیم و از تو ظهور او را می طلبیم. خدایا ظهورش به دستان توانای توست، تو بر همه چیز توانایی. ما را در زمان غیبتش جزو یاران و اصحاب و دوست داران و محبان او قرار بده و ظهورش را زودتر برسان. الهی آمین





یادبود نیمه شعبان ۱۴۴۶

